

طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تاثیر توسعه صنعت نفت و گاز بر ابعاد فرهنگ عمومی (مطالعه موردی: عسلویه)

مهدی پورعلی

دانش آموخته دکتری، رشته مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سید جمال الدین طیبی

عضو هیئت علمی، گروه مدیریت بهداشت و درمان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

sjtabibi@yahoo.com

علی اکبر رضایی

عضو هیئت علمی، گروه مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

DOI: 10.30495/JCM.2022.62108.1542

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: توسعه صنایع نفت و گاز در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) به صورت مضاعفی مواجهه با تحولات صنعتی را تجربه می‌نماید. توسعه صنعت نفت و گاز در این مناطق موجب گذر از یک جامعه سنتی به یک جامعه صنعتی گردیده است و تحولات وسیعی در ابعاد فرهنگی به جای گذاشته است. هدف اصلی این پژوهش طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تاثیر توسعه صنعت نفت و گاز بر ابعاد فرهنگ عمومی در منطقه عسلویه می‌باشد. روش پژوهش: برای سنجش و تعیین میزان اهمیت و اعتبار هر شاخص، الگوی پیشنهادی در اختیار خبرگان قرار گرفت. الگوی پیشنهادی با روایی بالا (۹۲/۸) به تائید خبرگان رسید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد که میانگین متغیر ارزش‌های فرهنگی دارای تفاوت معنادار با میانگین مورد انتظار (فرضی) است ($Sig \leq 0/05$). به عبارت دیگر از نظر جامعه آماری توسعه صنعت نفت و گاز موجب تضعیف ارزش‌های فرهنگی شده است. هم‌چنین میانگین متغیر فرهنگ خانوادگی و عناصر مادی فرهنگ دارای تفاوت معنادار با میانگین مورد انتظار (فرضی) است ($Sig \leq 0/05$).

نتیجه‌گیری: توسعه صنعت نفت و گاز موجب تقویت فرهنگ خانوادگی و عناصر مادی فرهنگ گردیده است. در نتیجه بر اثر در هم آمیختگی صنعت و سنت نوعی گسست و تعارض فرهنگی مشاهده گردید. توسعه صنعت نفت و گاز موجب تغییرات گسترده‌ای در ارزش‌های فرهنگی، فرهنگ خانوادگی و عناصر مادی در منطقه عسلویه شده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، عامل فرهنگی، جشنواره بین‌المللی رشد، فیلم کودک و نوجوان.

مقدمه

مفهوم و معنایی مافوق همه اینها نباشد که آنها را در خدمت خود قرار دهد و به استخدام خود درآورد، این توسعه بسیار خطرناک خواهند بود (ایفرت، ۲۰۱۴). استان زرخیز بوشهر با داشتن حدود ۷۰۷ کیلومتر مرز بین‌المللی با سواحل دریای نیلگون خلیج فارس و مرز آبی با ۵ کشور، نیروی انسانی جوان مستعد (مقام دوم در کشور)، وجود میادین و منابع عظیم نفت و گاز، استقرار صنایع بزرگ استحصالی، تبدیلی و ذخیره‌سازی انرژی فسیلی چون پتروشیمی و مرکز صدور بیش از ۹۵ درصد از نفت کشور، نیروگاه اتمی و هم‌چنین تجارت تاریخی و فرا ملی و اقتصادی‌ترین کریدور جنوب شمال و معادن متنوع و ارزشمند، کشاورزی و شیلات گسترده و درآمدزا، استقرار پایگاه‌های هوایی و دریایی متعدد و نهادینگی فرهنگ غنی دینی و مقاومت اسلامی و قابلیت تأثیرگذاری بالای فرهنگی بر منطقه و جغرافیای پیرامونی؛ دارای موقعیت بسیار ویژه استراتژیک و قطب صنعت انرژی برای ایران اسلامی می‌باشد (شاهنده، ۱۳۹۵). عسلویه نیز به عنوان پایتخت انرژی جمهوری اسلامی ایران با حضور ده‌ها و صدها شرکت چند ملیتی و بین‌المللی و گسترش صنایع نفت و گاز در منطقه ویژه اقتصادی پارس، شهرستان‌هایی همچون عسلویه، کنگان، جم و دیر حتی سایر استان‌ها به صورت مضاعفی مواجهه با تحولات صنعتی را تجربه می‌نماید (ثابتی، ۱۳۹۵). مبانی این پژوهش بر آن است با توجه به حضور فعال شرکت‌های بین‌المللی و هم‌چنین حضور گسترده اقوام ایرانی (ترک، لر، کرد، گیلک، بلوچ، عرب و عجم و...) از سراسر کشور در پروژه‌ها و صنایع مناطق عسلویه و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم از پیامدهای آن به ارزیابی تأثیرات توسعه صنعت نفت و گاز بر ابعاد فرهنگ عمومی مردمان عسلویه با تأکید بر تحول فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بپردازد و تصویری دقیق از شرایط فرهنگی و اجتماعی و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه را ارائه دهد و در نهایت راه کارهایی را به منظور تقویت فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری گروه‌های هدف و تقویت تعامل پویای جلوه‌های فرهنگی جدید و ساختار روابط سستی فرهنگی - اجتماعی، در ایران ارائه

صنعتی شدن و پیشرفت‌های تکنولوژیکی نفت و گاز در منطقه عسلویه مبنایایی را برای گذر از یک جامعه سستی به یک جامعه صنعتی و شهری فراهم ساخته است و در فرایند انتقال، تنوع وسیعی را در ابعاد اجتماعی و فرهنگی بر جای گذاشته است (میرترابی، ۱۳۹۷). کار سخت، محرومیت، فقر، عدم امنیت شغلی برای جوانان، گسستگی و تضعیف هنجارهای اجتماعی و تأثیر آن بر روی باورهای اعتقادی و فرهنگی جوانان، کاهش کنترل‌های اجتماعی، منجر به شکل‌گیری تحولات فرهنگی گردیده است که حاوی وسوسه‌های قوی برای درگیر شدن در فرصت‌های ضداجتماعی و ضد اخلاقی است (اباذری، ۱۳۹۱). صنعت نفت و گاز تحمیل‌گر ارزش‌ها و فرهنگ بر خود است. این پدیده به دلیل مهاجم بودن اگر اجازه ورود به آن دادیم، باید تمام عواقب آن را بپذیرا باشیم (آستون، ۲۰۱۷). ضرورت این پژوهش به این لحاظ حایز اهمیت است که با طراحی الگوی بومی می‌توان در محیط واقعی با ظهور منیپولی^۲ در محیط (انحصارگری تکنولوژی) مقابله کرد. در محیط کنوپولی یکی از این دو جهان فکری از صحنه حذف می‌گردد. امپراطوری تکنولوژی به حذف رقیب خود می‌پردازد. صنعت نفت و گاز آن چنان با سرعت سرسام‌آور ظهور می‌یابند که جامعه تحت تاثیر و مورد هدف حتی فرصت فکر کردن در مورد هدف زندگی و بکارگیری این صنعت را نمی‌یابد (برناک، ۲۰۱۶). تحولات فرهنگی آنچنان گسترده است که هیچ نقطه‌ای در امان نیست. خانواده‌ها دیگر نمی‌توانند تربیت خاص خود را در مورد فرزندان‌شان مدنظر قرار دهند (همپلتون، ۲۰۱۵). فرزند با اطلاعات رایگانی که در حال هجوم است رشد می‌یابد. هیچ کس از قدرت درک متکی به مبانی اعتقادی شخصی و نیز هدف‌یابی و معنی بخشی به زندگی خویش برخوردار نیست. اگر برای توسعه صنعت نفت و گاز جایگاهی معین وجود نداشته باشد، اگر متکی بر نظریه و تئوری مخصوص به خود نباشد، اگر الگو و نقشه جامعی نباشد که آنها جزئی از آن طرح را تشکیل دهند، اگر هدف و

عسلویه و تاثیر پذیری اقشار مختلف مردم از تحولات صنعتی جدید، اجراء این طرح به منطقه ویژه انرژی نفت و گاز پارس جنوبی عسلویه و نیز مدیریت فرهنگی و اجتماعی استان این امکان را می‌دهد تا با آمادگی و تفکر برنامه ای با تحولات و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه شده و شرایط جدید را مدیریت نماید و هم‌چنین متخصصان و جامعه شناسان موجود در منطقه می‌توانند از یافته‌های این الگوستفاده نموده و زمینه‌های تقویت جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری مردم منطقه را در یک بستر تعاملی میان تجلیات فرهنگی - اجتماعی جدید و خرده فرهنگ‌های بومی، فراهم آورند. بی‌شک برای زیستن و حفظ هویت و موجودیت خود و حفظ ارزش‌ها و اصول ناب مردم منطقه در قبال ورود این صنعت به یک تحقیق منسجم و نیرومند نیازمند است که با شناسایی اثرات و تحولات فرهنگی، عمیق‌ترین، حقیقی‌ترین و ماندگارترین اثرات صنعت نفت و گاز بر روی آنها را شناسایی تا بین مردم محلی ساکن در منطقه و وجود صنعت نفت و گاز به یک «وفاق تعاملی درونی» رسید.

تبیین اجزای مدل مفهومی پژوهش

مدل پیشنهادی پژوهش در شکل (۱) نشان داده شده است. در ادامه به تبیین اجزای مدل پیشنهادی پژوهش پرداخته می‌شود.

نمایند. لذا می‌توان سوالات پژوهش را به شکل زیر صورت‌بندی کرد:

تا چه حد توسعه صنعت نفت و گاز بر ارزش‌های فرهنگی عسلویه تاثیر دارد؟

تا چه حد توسعه صنعت نفت و گاز بر فرهنگ خانوادگی عسلویه تاثیر دارد؟

تا چه حد توسعه صنعت نفت و گاز بر عناصر مادی فرهنگ عسلویه تاثیر دارد؟

با توجه به این که در این تحقیق به دنبال طراحی و ارائه الگو به منظور سنجش تأثیر توسعه صنعت نفت و گاز بر ابعاد فرهنگ عمومی شهر عسلویه هستیم. الگوی پیشنهادی در این پژوهش، همان فرضیه اصلی تحقیق می‌باشد. در همان راستا فرضیه‌های زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد:

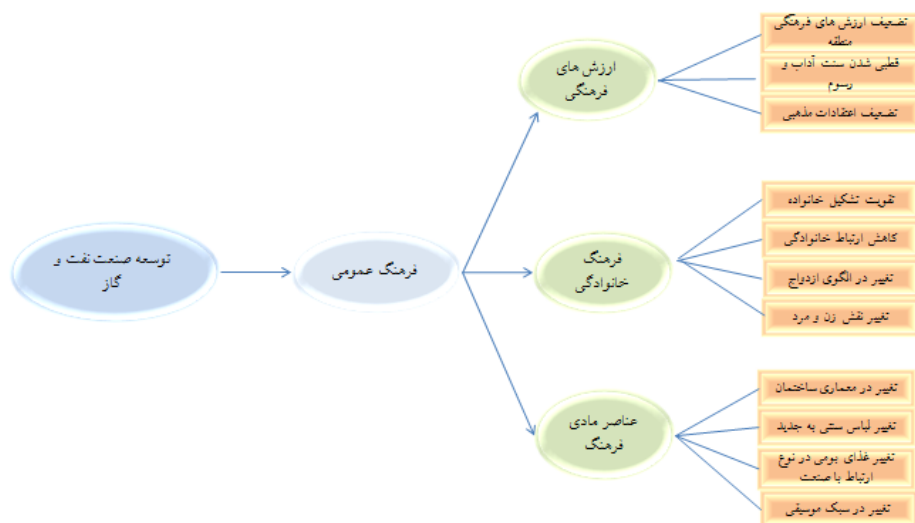
۱- به نظر می‌رسد بین توسعه صنعت نفت و گاز و ارزش‌های فرهنگی رابطه معناداری وجود داشته باشد.

۲- به نظر می‌رسد بین توسعه صنعت نفت و گاز و فرهنگ خانوادگی رابطه معناداری وجود داشته باشد.

به نظر می‌رسد بین توسعه صنعت نفت و گاز و عناصر مادی فرهنگ رابطه معناداری وجود داشته باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به ایجاد و توسعه صنعت نفت و گاز در شهرستان



شکل ۱- الگوی پیشنهادی پژوهش

مفهوم توسعه صنعت نفت و گاز

رشد در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن صنعت نفت است. فرآیندی که در آن یک جامعه از مرحله‌ای به مرحله بالاتری از پیشرفت در این صنعت می‌رسد و این فرایند به دو حوزه بالا دستی و پایین دستی تقسیم می‌شوند. صنایع بالادستی نفت شامل اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری می‌شود. صنایعی که از محصولات پتروشیمی و یا تولیدات پالایشگاه‌های نفت به عنوان مواد اولیه استفاده می‌نمایند، صنایع پایین دستی پتروشیمی شناخته می‌شوند (لاکوس^۶، ۲۰۱۶).

مفهوم فرهنگ عمومی

فرهنگ عمومی به معنای فرهنگ غالب و گسترده‌ای است که در میان عموم جامعه رواج و رسوخ دارد و با اصطلاح‌هایی چون فرهنگ توده و فرهنگ عامه‌پسند در

ارتباط است. فرهنگ عمومی شامل جهان‌بینی و ایدئولوژی غالب مورد تجربه در زندگی روزمره و تمام محتوای روانی ناشی از کاربرد وسیع و تعیین کننده وسایل ارتباط جمعی است (آشنا، ۱۳۹۷).

شاخص‌های فرهنگ عمومی

این شاخص‌ها، در اصل بر گرفته از پژوهشی است که از سوی مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی مفید در سال ۱۳۷۲ اجرا شد و سپس شورای فرهنگ عمومی، با اصلاحاتی آنها را در قالب کتابی به نام «شاخص‌های فرهنگ عمومی» منتشر کرد. هر یک از این شاخص‌های استراتژیک به شاخص‌های فرعی تری ذیل عنوان ملاک ارزیابی و مصادیق قابل ارزیابی شاخص عملیاتی تقسیم شده‌اند. در این پژوهش سه شاخص فرهنگ عمومی مورد مطالعه قرار گرفته است که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های فرهنگ عمومی در ایران (شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۹۶)

شاخص مورد ارزیابی	مصادیق قابل ارزیابی
ارزش‌های فرهنگی	تضعیف ارزش‌های فرهنگی منطقه قطبی شدن صنعت و سنت و آداب و رسوم تضعیف اعتقادات مذهبی
فرهنگ خانوادگی	تقویت تشکیل خانواده (بواسطه برطرف شدن نیازهای مادی) کاهش ارتباط خانوادگی تغییر در الگوی ازدواج تغییر نقش مرد و زن
عناصر مادی فرهنگی	تغییر در معماری ساختمان تغییر لباس سنتی به جدید تغییر غذای بومی در نوع ارتباط با صنعت تغییر در سبک موسیقی

ارزش‌های فرهنگی

سنت و آداب و رسوم حافظه یک قوم است. آداب و رسوم بر زیسته‌ها و تجربه‌های گذشته است و در این میان ارزش‌های فرهنگی در اذهان نسل‌ها رسوب می‌کند و آگاهانه یا ناآگاهانه به ارث می‌رسد. ارزش‌های فرهنگی به

نوعی تنظیم کننده رفتار، رویکرد، دید و یا حتی نگرش به جهان هستی است. فرهنگ یک مقوله اجتماعی است و در بستر ارزش‌های فرهنگی شکل می‌گیرد. می‌توان گفت که ارزش و فرهنگ تأثیر و تأثر متقابل دارند. در ارزش نوعی معقولیت هست؛ اما معقولیت غیر از عقلانیت است. معقول

به آن بیانید. در عسلویه و ارزش‌های فرهنگی در قالب سنت‌گرایی خود را نشان می‌دهد و واکنشی است دفاعی که آگاهانه با رجعت به سنت‌ها، در پی حل معضلاتی است که دنیای صنعت نفت و گاز در جامعه پیش روی مردم قرار می‌دهد. حال آن که متقابلاً صنایع نفت و گاز به افسون زدایی از آنها می‌پردازد. برخی از اندیشمندان ایرانی نیز به ناکارایی قطبی کردن و رویارو قرار دادن ارزش‌های فرهنگی در مقابل صنعت اشاره می‌کنند (بهنام، ۱۳۹۵). مردم سنت‌گرای منطقه صنعتی عسلویه و ارزش‌های فرهنگی را نگرش ارتجاعی و بازگشت به گذشته نمی‌داند بلکه ارزش‌ها از منظر آنها آموزه‌هایی زنده و جاوید است که در برهه‌ای از تاریخ توسط این صنعت کنار گذاشته شدند. ارزش‌های فرهنگی مدنظر سنت‌گرایان، دارای منشاء بشری نیست که با گذشت زمان غبار کهنگی و فرسودگی بر آن بنشیند بلکه این ارزش‌ها در مراتب عالی تر هستی ریشه دارند. «سنت^۷ به معنای حقایق یا اصولی است دارای منشاء الهی که از طریق شخصیت‌های مختلفی معروف به رسولان، پیامبران، اوتاره‌ها، لوگوس یا دیگر عوامل انتقال، برای ابناء بشر و در واقع، برای یک بخش کامل کیهانی آشکار شده و نقاب از چهره آنها برگرفته شده است» (گنجی، ۱۳۹۶). در حقیقت صنعت نفت و گاز به واسطه ورود در منطقه عسلویه نفی همه ارزش‌ها نیست، هرچند بی‌شک بررسی نقادانه آنها است. صنعت نفت و گاز نقد نگرشی است که سنت و ارزش‌های فرهنگی را به ایدئولوژی بدل می‌سازد. نقد کرداری است که سنت‌ها را راهنما و الگوی زندگی روزمره فرد می‌نماید و با مشروعیت بخشیدن به آن، ارزش‌ها را دائماً باز تولید می‌کند. این نیز حقیقتی است که هیچ جامعه‌ای با نفی و گسست یک شبه از گذشته خویش به پیش نرفته است اما آن چه صنایع نفت و گاز را از ارزش‌های فرهنگی و زیست سنتی جدا می‌سازد، همان خصلت انتقادی مدرنیته و راز زدایی ارزش‌ها به جای پیروی از آنست. هم‌چنین این صنعت، مرجعی غیرعقلی برای اداره امور خود نمی‌شناسد. کم رنگ نمودن این ویژگی‌های اساسی صنایع نفت و گاز، به تقلیل‌گرایی و تبدیل

بودن نوعی تمکین کردن است. هر چیزی به گمانی معقول است، ولی هر چیزی عقلانی نیست؛ یعنی نمی‌شود برای آن تعقل، زمان و مکان قائل شد. صنایع نفت و گاز همواره خود را در ستیز و چالش با کهنگی، کهنه‌پرستی، رکود، عقب‌افتادگی، توسعه نیافتگی و نیز در ستیز با هر گونه قدمت و ارزش قرار می‌دهد و در واقع کشش و تمایل آن به سوی آینده است. به همین خاطر، صنایع نفت و گاز علی‌رغم بسیاری از جزئیات و مطلق‌اندیشی‌هایش مدعی است که دستاوردهای خود را نیز به عنوان جریان‌هایی سیال و غیر قطعی تلقی می‌کند و آنها را فقط تا اطلاع ثانوی معتبر می‌شمارد (میرزایی، ۱۳۹۵). زمانی که صنایع نفت و گاز و شهرنشینی بر جوامع انسانی تسلط یافت، فرهنگ جامعه شهری به سرعت به سوی دنیا پرستی و شرایط غیرمعنوی متمایل گشت و در بسیاری موارد، مشاهدات تجربی و منطقی و علم، جانشین معتقدات سنتی و معنوی گردید و ارزش‌های فرهنگی و باورها ناپایدار گردید و این مفهوم در اذهان ملت‌ها جای گرفت که واقعیت‌های امروز، فردا خطای محض است و اغلب نیز چنین است، زیرا با پیشرفت علم و تکنولوژی، بسیاری از ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، اعتبار و ارزش خود را از دست داده‌اند. صنایع نفت و گاز فرایندی است که با اندیشه نوآوری و نوسازی، افسون زدایی از مراجع اقتداری چون سنت و آداب و رسوم جایگزینی عقلانیت دنیوی به جای ارزش‌های فرهنگی و آسمانی در سر و سامان دادن به زندگی جاری، و تکیه بر علم و تکنولوژی به عنوان نیروی محرکه پیشرفت عظیم شده است (جهانبگلو، ۱۳۸۶). در واقع مسئله اساسی صنایع نفت و گاز در عسلویه پایان یافتن سیاست، ارزش‌های فرهنگی (اخلاق و سنت خرافه‌گرایانه) است که تنها در پرتو آن دموکراسی به معنای دقیق کلمه موضوعیت و فعلیت می‌یابد. از این رو آنتونی گیدنز رویارویی صنعت با ارزش‌های فرهنگی را ذات مدرنیته می‌داند. زیرا در ارزش‌های فرهنگی، گذشته مورد احترام است و نهادها ارزش دارند. فرد سنتی نیز کسی است که در متن و بستر کردارهای سنتی زندگی می‌کند، بی آن که

آن به شبه مدرنیسمی می‌انجامد که جوامع پیرامونی چون ایران سخت از آن رنج برده‌اند (آشوری، ۱۳۹۵).

فرهنگ خانوادگی

از تأثیراتی که صنایع در قالب نفت و گاز بر روی خانواده گذاشته است ارایه تعبیری جدید از خود^۸ و مفهومی جدید از سوژه‌گی^۹ و فردگرایی بود. به دیگر سخن تغییر انسان در خانواده هدف اساسی صنایع نفت و گاز است که او را به سوژه‌گی یا ذهنیت فردی مستقل ارتقاء دهد. این ایده جدید، فرد مدرن را از فرد سنتی و خانواده نو را از خانواده کهنه مشخص و متمایز می‌کرد. این تفاوت‌ها موجب تحول در فهم از ارتباط خانوادگی بین انسان‌ها گردیده و تحول در رابطه مالکیت و نیز تغییرات جمعیتی (جابجایی خانواده از روستا به شهر) و صنعتی شدن را الزامی ساخت (برتون، ۲۰۱۵).

ایجاد تحول و تأثیرات مثبت و منفی در حوزه خانواده که جنبه مثبت از جهت آزادی اما نه برای همه و منفی از جهت از خود بیگانگی^{۱۰} می‌باشد. مفهوم از خود بیگانگی به نظر مارکس از هم گسیختگی متقابل طبیعی میان مردم و بین مردم و آنچه تولید می‌کنند می‌باشد (ریترز، ۱۳۸۴).

گسترش صنایع نفت و گاز در زمینه خانواده با خود مسائلی را به همراه آورد که اکثر جامعه‌شناسان به دنبال حل آن می‌باشند و حدوداً این صنعت در تمام جهان پیش رفت و بی‌شک نحوه زندگی را دگرگون کرد و نظام آموزش و کارکردهای خانواده را از پایه دگرگون ساخت که خود موجب گسست تاریخی، فرهنگی، بر جامعه و مانع از آن شد که کارکرد خانواده بتواند انتقال تجارب و میزان فرهنگی علمی گذشته خود را ادامه بدهد. مسأله اساسی دیگری که صنایع نفت و گاز در حوزه خانواده با آن مواجه شده است کارکرد خانواده با کاهش گریزناپذیر کنترل اجتماعی می‌باشد و این خطر به وجود آمد که ما به جای روند ترکیب و بازیگر بندی میان الگوهای بومی و توسعه صنایع نفت و گاز وارد روند گسست و تعارض شدید شدیم یعنی روندی که بار دیگر در پی جایگزینی مکانیکی بخش‌های کم و بیش بزرگی از الگوهای بومی با الگوهای صنعتی باشند (نوبل، ۲۰۱۵).

عناصر مادی فرهنگ

الف) معماری

سبک معماری در شهر عسلویه حکایت از معماری سازگار با اقلیم و آب و هوای دارد. به دلیل مجاورت دریا (خلیج فارس) و شرایط اقلیمی، عسلویه و در بیشتر ایام سال آب و هوایی گرم و مرطوب دارد. این ویژگی در شکل معماری و مصالح بناها نیز بازتاب آشکاری داشته است. از جمله مهم‌ترین عواملی که در ساخت بناهای این دو شهر به علت شباهت بسیار زیاد مورد توجه بوده می‌توان به اقلیم منطقه، شکل ساخت، جهت قرارگیری بناها برای استفاده از «سایه» و «باد»، نور، نوع مصالح، تعداد طبقات، اتاق‌ها، بناهای جانبی مانند سرویس خدماتی اشاره کرد.

با ورود صنعت نفت و گاز در منطقه این نظریه مطرح شد که روش‌ها در معماری سنتی می‌توانند تشریح شوند، اما فرموله نیستند. معماری سنتی در منطقه به طریقی براساس رویش خوب فرهنگ بومی ترسیم و فکر شده است ولی این سبک معماری سنتی با اصول مدرن و بینش علمی در محیط صنعتی نفت و گاز مطابقت ندارد. ولی معماری مدرن در این منطقه جایگزین گردید که از طریق سازمان‌های صنعتی و انستیتوهای آموزشی توسعه توجه گردید. با ورود معماری مدرن زمینه تحولاتی در هویت و محتوای فضاهای معماری بوجود آورد که مغایرتی است با سنت و فرهنگ بومی منطقه ایجاد گردید. ابزار تکنیکی جدیدی برای ساخت بنا استفاده گردید که فرهنگ و شرایط اجتماعی به صورتی در معماری جدید ذوب گردید و عملاً تفکیکی میان معماری و هویت سنتی با معماری شیوه صنعتی بوجود آمد و شهر عسلویه دروازه‌ای از ورود انواع سبک‌ها و معماری خارج از عرف متصور شد. همجواری معماری سنتی با معماری صنعتی مدرن در منطقه به صورت ابتدایی و ناقص ناهنجاری‌هایی را در عرصه معماری و فرهنگی سبب گردید (رحیمی، ۱۳۹۳).

ب) غذا

امروزه از غذا به‌عنوان یک پدیده کاملاً فرهنگی یاد

عنوان بستر اولیه موسیقی ملی کشورها و بخشی از فرهنگ فولکلور و میراث برجای مانده از گذشته تاریخی هر ملت، نظر پژوهشگران فرهنگی وهنری را به خود جلب کرده است. همانطور که تاریخ و وقایع تاریخی در نحوه شکل گیری موسیقی اقوام مختلف تأثیر می گذارد فرهنگ و تغییرات فرهنگی نیز موازی با تغییرات تاریخی در نحوه نگرش مردم هر منطقه به هنر و چگونگی بیان آن، تأثیرات به سزایی دارد.

اولین عاملی که در معرفی سازها و گونه های مختلف موسیقی مناطق نفت خیز جنوب موثر و با اهمیت بوده، موقعیت جغرافیایی این منطقه است. عسلویه همواره در طول تاریخ گذرگاه و محل سکونت قومها و ملیت های مختلفی بوده که به دلایل مختلف از جمله تجارت، مهاجرت اختیاری یا اجباری و نیز اشغال نظامی، وارد این سرزمین شده اند. طبیعی است که حضور هر کدام از این اقوام مهاجر، به واسطه ی آمیزش یا مراودت های مداوم، به نوعی در فرهنگ، ادب و هنر ساکنان نفت خیز جنوب تأثیر داشته و گاه موجب دگرگونی آن شده اند. برای نمونه پس از ورود بردگان افریقایی به جنوب، بخش قابل توجهی از موسیقی بوشهر تحت تأثیر سیاهان افریقایی قرار گرفت که می توان به مراسم «سنج و دمام»، مراسم «زار» یا «لیوا» و نیز بعضی از «نی مه ها» و «یزله ها» اشاره کرد. اما تأثیرگذاری و ایجاد تحول، همواره باعث تقویت فرهنگ سرزمین میزبان نگردیده و گاه موجب تضعیف و از هم گسیختگی فرهنگ آن نیز می گردد (شریفیان، ۱۳۹۴).

دومین عاملی که همچون مورد اول در تبیین موسیقی عسلویه و نیز در تعیین مرزهای فرهنگی آن مورد توجه است، مهاجرت موقتی اهالی این منطقه به کشورهای عربی همجوار، دریای عمان، تانزانیا، سومالی هند و... جهت کار و امرار و معاش و نیز دریانوردی و تجارت می باشد. معمولاً یکی از ره آوردهای این مسافرت ها، موسیقی، لهجه، آداب و رسوم اقوام دور دست بوده است.

عامل سوم: که باعث شکل گیری و به وجود آمدن فرمها

می شود، نزد انسان شناسان تمامی فرآیند تولید مواد اولیه تا پختن و خوردن آن، هم چنین تمامی وسایل پخت و پز تا مرحله خوردن غذا، مناسبت هایی که غذا در آن و برای آن مصرف می شوند، مزه ها و علائق آدمی به غذاهای مختلف پدیده یی در زمان و در مکان است. «کلابد کلاکهن» در این خصوص می گوید: «انسان برحسب قاعده فرهنگ، ۲ تا ۴ بار در ساعات معین روز گرسنه می شود. انسان در ساعات و دفعات دیگری غیر از آنچه که بوسیله فرهنگ بدان عادت کرده است، نمی تواند غذا بخورد.» تغذیه مردم یک منطقه به عوامل گوناگونی بستگی دارد، علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی عوامل فرهنگی نیز بر این مساله تأثیرگذار است (زمردی، ۱۳۷۰).

از این رو هر چند انسان شناسان فرهنگی اذعان دارند که غذا یک ضرورت حیاتی است و در نهایت یک پدیده ی فیزیولوژیک است، اما اخیراً به طور خاص به نقش غذا در فرهنگ پرداخته اند. توجه ما در ابتدا به بعضی از این نقش ها و ویژگی های فرهنگی خاص غذا جلب می شود. این روزها کمتر غذای سنتی را میل می کنیم یا شاید آن قدر سرمان شلوغ است که به فست فود از جمله پیتزا پناه می آوریم و پاک از غذاهای سنتی فرهنگ ایرانی غافل شده ایم و می توان با جرات گفت امروز فست فود در رقابت با آبگوشت و قرمه سبزی برنده شده است (فاستر و اندرسون، ۱۳۹۰).

ورود فرهنگ دیگر کشورها به راحتی با استفاده از نوع غذاهای آنها ممکن است سالیان سال غذاهای ایرانی و محلی باعث در کنار هم قرار گرفتن اعضای یک خانواده می شد در حالیکه امروز شاهدیم غذایی در خانواده ها مصرف می شود که هرکس با در دست گرفتن تکه ای از آن احتیاجی به نشستن در کنار خانواده را پیدا نمی کند و این گونه رفتارها و تحولات فرهنگی برخلاف رسوم و فرهنگ ایرانیان است.

ج) موسیقی

هر ناحیه و منطقه از ایران بافت جغرافیایی، اجتماعی و آئین های مخصوص به خود دارد، در نتیجه موسیقی مخصوص به خود را نیز دارد. موسیقی محلی و قومی به

جوی حفظ کند. به مرور تزئین و زینت کاری نیز بر آن پوشش اضافه گردید و به نوعی حالت خودنمایی را به خود گرفت تا جایی که هدف اصلی که همان پوشش بود را به فراموشی سپرد. این امر بدیهی می‌نماید که نوع پوشش در دو نوع جوامع بدوی و جامعه صنعتی پیشرفته کاملاً متفاوت می‌باشد. چرا که هر کدام بسته به فرهنگ به مسئله پوشاک و لباس با دیدی خاص می‌نگرد و می‌توان دریافت که پوشش و نوع آن در هر جامعه ای رابطه ای مستقیم با تحولات فرهنگ آن جامعه دارد به تدریج که جامعه‌ها به لحاظ اجتماعی رو به پیشرفت نهادند کماکان پوشاک نیز به نوعی متأثر ازین پیشرفت می‌گردید (توسلی، ۱۳۹۴).

توجه به شکل و فرم و نوع پوشاک به معنی تفننی آن علی‌رغم مناطق حاره و سردسیر در مناطق معتدل بسیار چشم‌گیر است و فرصت اعتنا به جنبه‌های غیر پوشش لباس هم بیشتر است. مسئله فراغت ناشی از ازدیاد تولید و مصرف و قدرت خرید مردم به واسطه ورود صنعت و تکنولوژی یعنی آزاد شدن مردم تأثیر بسزایی در تحول و تنوع لباس داشته و هر چه بیشتر آن را تفننی کرده است. برای دریافت سواد اجتماعی مردم و سطح فرهنگ جامعه، لباس همیشه میزان سنجش خوبی بوده است یعنی هر چقدر معنی و محتوای بیشتر، توجه به صورت به معنای ظاهر سازی آن کمتر بوده است و هر چه کاستی در رشد و نقض در ابعاد تکامل بشر بیشتر بوده به عنوان جبران آن توجه به شکل بیشتر شده است چون آنقدر که تشخیص به لباس می‌شود داشت در سایر امور نمی‌شود. لباس انسان نخست تابع فرهنگ جامعه اوست و بعد تابع سلیقه خود اوست. همه تحولاتی که در لباس و فرهنگ است و اختلاف بین تن پوش مردم جوامع مختلف گذشته جدا از خصوصیات جغرافیایی اقلیمی و عوامل اجتماعی، سستی، ناشی از گسترش صنعت و تکنولوژی آن جامعه نیز است (افروغ، ۱۳۹۵).

پیشینه پژوهش

شجاعی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان فرهنگ بهره‌وری مهم‌ترین عامل در فرهنگ صنعتی ایران

و آوازه‌های خاصی شده، ویژگی‌های محیطی و جغرافیایی است که نه تنها بر موسیقی و هنر این مرز و بوم، بلکه بر روی زندگی، رفتار و گفتار آنها نیز تأثیر گذاشته است. از همین رو، تأثیر شرایط سخت طبیعی، گرما، خشکسالی، رطوبت زیاد، کمبود امکانات و وضعیت دشوار زندگی، دریا، ماهیگیری و دریانوردی در جای جای موسیقی این دیار مشهود است. مثلاً در گذشته، نباریدن باران در فصل زمستان باعث می‌شد که مردم برای بارش باران، در قالب مراسمی همراه با شعر و آهنگی ویژه دست به دعا بردارند. همچنین، کار بر روی دریا، پارو زدن و سایر کارهای طاقت فرسا، آوازه‌هایی را جهت هماهنگی و رفع خستگی در انجام کارهای جمعی به وجود آورده است که به آن «نیمه» می‌گویند.

د) پوشاک

تحولات کوچک شروع تاریخی برای تحولات بزرگ را در جوامع به جا گذاشته است و گواه تاریخی این ادعا در انقلاب‌های اجتماعی، اقتصادی و... در کشورهای متفاوت از جمله ایران نمود پیدا کرده است. با این مقدمه به بحث تحولات کوچکی که بسیار آرام در سطح گسترده‌ای در جامعه در حال وقوع می‌باشد می‌پردازیم و آن نوع پوشش افراد جامعه است، البته قصد بر آن نیست تا از لحاظ اسلامی یا غیر اسلامی و یا خوب و بد بودن پوشش‌ها و به نوعی قضاوت در این باره بپردازیم بلکه آنچه مدنظر است تحول در نوع پوشش افراد جامعه از نوع (الف) به نوع (ب) بر اثر ورود یک عامل جدید به نام صنعت و تکنولوژی که یکی دیگر از ابعاد تحولات را در زمینه لباس و پوشش شامل می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از زمانی که بشر زندگی جمعی را شروع کرده همواره در صدد بهره‌وری بهتر از محیط پیرامونش و چگونگی به حداقل رساندن نیازها و ضعف‌هایش در ارتباط با محیط بوده است، تغییرات آب و هوایی وی را متوجه کرد که برای مقابله با آن، پوشش مناسب مورد نیاز دارد و ازین رو شروع به ساختن لباس‌هایی کرد که می‌توانست او را در برابر تغییرات

پژوهشی در باب دیدگاه جامعه ایران نسبت به توسعه فرهنگ صنعتی یافتند که بین وضعیت موجود فرهنگ صنعتی در کشور و وضعیت مطلوب آن، تفاوت وجود دارد و توسعه فرهنگ صنعتی به عنوان فرهنگ پشتیبان توسعه صنعتی برای پیشرفت کشور ضروری است و با اولویت قرار دادن فرهنگ بهره‌وری و فرهنگ کیفیت و توجه به مشارکت، کار گروهی، نظم‌پذیری و تعهد کاری، تحقق اهداف توسعه در کشور، سرعت خواهد گرفت.

فدائی خوارسگانی و نیری (۱۳۸۹) در پژوهشی تاثیر تحولات شاخص‌های منتخب فرهنگی بر رشد اقتصادی در ایران (الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیع شده AR) را بررسی کردند. از شاخص‌های همچون سطح دانش و سواد، نرخ خالص ازدواج، میزان استفاده از ظرفیت سینما، مطبوعات و هنجارهای اجتماعی، که شاخص‌های منتخب تاثیرگذار فرهنگی بر عامل انسانی تولید و در نتیجه رشد اقتصادی بوده در مدل استفاده شده است. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین شاخص‌های منتخب و رشد اقتصادی وجود دارد و میزان تاثیر این عوامل در بلند مدت بیشتر از کوتاه مدت است.

مختاری ملک آبادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی شاخص‌های پایداری اجتماعی- فرهنگی در عسلویه را بررسی کردند. آنها دریافتند که مولفه رضایت جامعه محلی، فرهنگ و سنن و امنیت و رفاه بیشتر از حد متوسط و مولفه‌های توسعه امکانات و خدمات، افزایش آگاهی جامعه محلی و مشارکت و همبستگی، کمتر از حد متوسط هستند. به طور کلی نتایج نشان دهنده وجود ناپایداری در بعد اجتماعی- فرهنگی توسعه پایدار شهری در این شهر است.

فرضی و ازکیا (۱۳۹۵) در پژوهشی پیامدهای حضور صنعت نفت بر توسعه اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی مناطق نفت خیز دارخوین را بررسی کردند. یافته‌های تحقیق در در چهار الگوی پارادایمی دسته‌بندی شده‌اند. این چهار الگو شامل پدیده‌های مرکزی وفاداری مشروط، توقع از نفت، احساس

ناکارآمدی و بی‌قدرتی و نیز مقاومت و تهدید، در گستره‌ی رویکردهای حمایتی و انتقادی از حضور نفت جای گرفته‌اند. از تلفیق مدل‌های مفهومی، پدیده‌ی مرکزی بیگانگی ساکنان مناطق نفت خیز نسبت به توسعه و پیامدهای آن پدیدار شده است که پیوند دهنده‌ی مفاهیم و مقوله‌های چهار مدل پارادایمی بوده و با خرده فرهنگ عشیره‌ای، جدا افتادگی ساکنان، احساس تبعیض و بی‌قدرتی آنان سازگار است.

منطقه مورد مطالعه

این پژوهش در سطح شهر عسلویه به عنوان نمونه‌ای از شهرهای استخراجی موجود در کشور ایران انجام شده است. شهر عسلویه در محدوده ۲۷ درجه و ۲۷ دقیقه و ۵۵ ثانیه تا ۲۷ درجه و ۲۹ دقیقه و ۱۴ ثانیه عرض جغرافیایی شمالی و ۵۲ درجه و ۳۵ دقیقه و ۴۱ ثانیه تا ۵۲ درجه و ۳۷ دقیقه و ۲۷ ثانیه طول جغرافیایی شرقی و در ارتفاع ۵ متری از آب‌های آزاد قرار دارد. شهر عسلویه به عنوان مرکز شهرستان عسلویه است. این شهرستان در سال ۱۳۹۵ با دارا بودن دو نقطه شهری و ۲۱ روستا، جمعیتی برابر با ۱۳۴۷۶ نفر داشته است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پیمایش بوده و ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه با افراد (۴۶۰ نفر) ساکن در شهرستان عسلویه با استفاده از پرسشنامه بوده است. برای سنجش و روایی پرسشنامه، الگوی پژوهش، ابعاد، ویژگی‌ها و سوال‌های پرسشنامه به تائید پانزده نفر از افراد خبره و استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران رسید. سوال‌هایی که از اعتبار کمی برخوردار بودند (زیر ۷۰ درصد) از پرسش‌نامه حذف یا اصلاح شدند. اغلب سوال‌ها از اعتبار بالای ۹۰ درصد برخوردار بودند. در نتیجه روایی کل ابزار سنجش ۹۲/۸ به دست آمد. ضریب کل پایایی پرسشنامه ۹۱/۵ تعیین شد و تعداد پنج سوال که همبستگی منفی داشتند از پرسشنامه حذف شدند. در این پژوهش از سه شاخص برای ارزشیابی سطح فرهنگ عمومی استفاده شده است. شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از ۱- ارزش‌های فرهنگی، ۲- فرهنگ خانوادگی ۳-

یافته‌های تحقیق

در این مطالعه مدل پژوهش و نیز ابعاد آن، از حیث میزان روایی و نیز قابلیت سنجش تمام شاخص‌های فرهنگ عمومی در اختیار خبرگان امر قرار گرفت و در نتیجه کلیت مدل و شاخص‌های آن تأیید شد که میزان و اهمیت و وزن هر یک از شاخص‌ها در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲- نتایج حاصل از میزان اهمیت شاخص‌های فرهنگ عمومی از دید خبرگان

اعتبار هر بعد از نظر خبرگان				عنوان	ردیف
اعتبار ندارد		اعتبار دارد			
تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۳	۱۰/۳۴	۱۲	۸۹/۶۶	ارزش‌های فرهنگی	۱
۴	۱۱/۲۹	۱۱	۸۸/۷۱	فرهنگ خانوادگی	۲
۲	۸/۴۴	۱۳	۹۱/۵۶	عناصر مادی فرهنگ	۳

برخوردار هستند. از نظر خبرگان عناصر مادی فرهنگ دارای بالاترین اعتبار و امتیاز (۹۱/۵۶) بوده و فرهنگ خانوادگی دارای پایین‌ترین امتیاز (۸۸/۷۱) است.

عناصر مادی فرهنگ. از آنجائی که این پژوهش به لحاظ روش همبستگی است در سطح آمار استنباطی به منظور تعیین تأثیرات بین شاخص‌های فرهنگ عمومی با توسعه صنایع نفت و گاز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

نتایج حاصل از جدول ۲ بیانگر این است که از دید خبرگان، تمامی انواع فرهنگ‌های یاد شده برای مطالعه، سنجش و ارزیابی فرهنگ عمومی از اعتبار و روایی

جدول ۳- نتایج رابطه بین توسعه صنعت نفت و گاز و ارزش‌های فرهنگی

آمار استنباطی			آمار توصیفی		متغیر
Test Value: 3			انحراف معیار	میانگین	
Sig	درجه آزادی	آماره t			
۰/۰۰۱	۷۷	۳۸/۱۴	۵۶/۴۰	۲/۴۳	ارزش‌های فرهنگی
۰/۰۰۱	۷۷	۴۳/۲۷	۰/۶۴	۳/۱۲	فرهنگ خانوادگی
۰/۰۰۱	۷۷	۱۳۵/۰۳	۰/۲۷	۴/۲۱	عناصر مادی فرهنگ

میانگین فرضی یا مورد انتظار (۳) است ($Sig \leq 0/05$). به عبارت دیگر میانگین متغیر فرهنگ خانوادگی و عناصر مادی فرهنگ به طور معناداری بالاتر از میانگین فرضی برآورد شده است. بنابراین در پاسخ به این سوال که تا چه حد توسعه صنعت نفت و گاز بر فرهنگ خانوادگی و عناصر مادی فرهنگ عسلیوه تأثیر دارد؟ می‌توان گفت این تأثیر وجود دارد. به عبارت دیگر از نظر جامعه آماری توسعه صنعت نفت و گاز موجب تقویت فرهنگ خانوادگی و عناصر مادی فرهنگ گردیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول پژوهش حاضر این بود که به نظر می‌رسد

مقادیر جدول ۳ نشان دهنده این است که میانگین متغیر ارزش‌های فرهنگی دارای تفاوت معنادار با میانگین فرضی یا مورد انتظار (۳) است ($Sig \leq 0/05$). به عبارت دیگر میانگین متغیر ارزش‌های فرهنگی به طور معناداری پایین‌تر از میانگین فرضی برآورد شده است. بنابراین در پاسخ به این سوال که تا چه حد توسعه صنعت نفت و گاز بر ارزش‌های فرهنگی عسلیوه تأثیر دارد؟ می‌توان گفت این تأثیر وجود دارد. به عبارت دیگر از نظر جامعه آماری توسعه صنعت نفت و گاز موجب تضعیف ارزش‌های فرهنگی شده است. هم‌چنین میانگین متغیر فرهنگ خانوادگی و عناصر مادی فرهنگ دارای تفاوت معنادار با

بین توسعه‌ی صنعت نفت و گاز و ارزش‌های فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین براساس نتایج جدول ۳ می‌توان گفت که توسعه‌ی صنعت نفت و گاز در عسلویه سبب تضعیف ارزش‌های فرهنگی شده است. این امر را می‌توان این گونه تفسیر کرد که وقتی توسعه‌ی صنعتی در منطقه‌ای بومی اتفاق می‌افتد و زیر بناهای فرهنگی لازم برای این توسعه‌ی فراهم نمی‌شود، نوعی تعارض بین توسعه‌ی صنعتی و ارزش‌های فرهنگی بومی شکل می‌گیرد. در واقع، توسعه‌ی صنعت نفت و گاز هم راستا با تغییرات فرهنگی مثبت حرکت نکرده است، بلکه ارزش‌های فرهنگی بومی منطقه را هم تضعیف نموده است که می‌تواند در دراز مدت، خود صنعت نفت و گاز در این مناطق را هم تحت تأثیر منفی قرار بدهد، زیرا تعارضات فرهنگی حاصل از برخورد این دو مسئله، مشکلاتی را برای این صنعت می‌تواند فراهم بیاورد که در قالب تعارضات فرهنگی جامعه‌ی بومی با توسعه‌ی صنعتی خود را نشان می‌دهد. این یافته‌ی پژوهش حاضر در راستای دیدگاه آتونوی گیدنز (۱۳۸۴) در مورد پیامدهای مدرنیته است. گیدنز، رویارویی صنعت با ارزش‌های فرهنگی را ذات مدرنیته می‌داند. زیرا در ارزش‌های فرهنگی، گذشته مورد احترام است و نهادها ارزش دارند. فرد سستی نیز کسی است که در متن و بستر کردارهای سستی زندگی می‌کند، بی‌آنکه به آن بیندیشد. در عسلویه ارزش‌های فرهنگی در قالب سنت‌گرایی خود را نشان می‌دهد و واکنشی است دفاعی که آگاهانه با رجعت به سنت‌ها، در پی حل معضلاتی است که دنیای صنعت نفت و گاز در جامعه پیش روی مردم قرار می‌دهد. حال آن‌که متقابلاً صنایع نفت و گاز به افسون‌زدایی از آنها می‌پردازد. برخی از اندیشمندان ایرانی نیز به ناکارایی قطبی کردن و رویارویی قرار دادن ارزش‌های فرهنگی در مقابل صنعت اشاره می‌کنند (بهنام، ۱۳۹۷) که به نوعی تأیید کننده‌ی یافته‌های پژوهش حاضر است. هم‌چنین این یافته‌ها به نوعی تأییدکننده‌ی یافته‌های مرادی (۱۳۹۶) است. وی به این نتیجه رسیده است که وجود صنایع نفت

و گاز در منطقه عامل کاهش میزان پایداری مردم به شعائر فرهنگی و آداب و رسوم بومی خود بوده است. طالبیان (۱۳۸۷) هم در همین راستا به این نتیجه رسید که با توجه به پیشرفت صنعت در این حوزه ساخت‌های فرهنگی در راستای صنعت رشد نکرده است و این مسئله باعث شده است که خسارات جبران‌ناپذیری در بافت فرهنگی منطقه وارد شود. هم‌چنین یافته‌های این بخش در راستای یافته‌های پژوهشی نیازی (۱۳۹۴)، تبریزی (۱۳۹۵)، هاشمی (۱۳۹۵)، جرالده (۲۰۱۷) است. توسعه‌ی صنعت نفت و گاز موجب تضعیف اعتقادات مذهبی مردمان مناطق عسلویه گردیده است. اگر ارزش‌های مذهبی را به عنوان ارزش‌هایی هم راستا با ارزش‌های فرهنگی بومی مناطق عسلویه قرار بدهیم، به این نتیجه می‌رسیم که همان مسائل مطرح شده در مورد ارزش‌های فرهنگی در مورد ارزش‌های مذهبی صدق می‌کند و تعارضات ارزشی بین توسعه‌ی صنعت نفت و گاز با اعتقادات مذهبی مردمان منطقه‌ی عسلویه شکل گرفته است و همین مسئله سبب شده است ارزش‌های مذهبی میانگین پایینی را به خود اختصاص بدهد. این نتیجه در راستای دیدگاه بین^{۱۱} (۲۰۱۷) است که باور به تضعیف ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی در اثر تحولات صنعتی دارد. وی دلیل عمده کاهش عقاید دینی - سستی در اثر صنعتی شدن را در این می‌داند که افزایش احساس کنترل تکنولوژیکی بر طبیعت، نیاز به اتکاء به قدرت‌های فراطبیعی را کاهش می‌دهد. در جهان بی‌ثبات جوامع سستی، عقیده‌ای که یک قدرت بالاتر مصون از خطا تضمین کند که امور نهایتاً به خوبی انجام می‌پذیرند، نیاز روان‌شناختی عمده‌ای را ارضاء می‌کند. یکی از کارکردهای کلیدی دین، فراهم نمودن احساس اطمینان در محیطی ناامن است. ناامنی فیزیکی به همان اندازه‌ی ناامنی اقتصادی، این نیاز را تشدید می‌کند. هم‌چنان که صنعتی شدن، رشد ناگهانی جمعیت را به همراه می‌آورد و هم‌چنان که پیشرفت علمی، امید به زندگی را افزایش می‌دهد، نیاز به اطمینان خاطر که به طور سستی دین آن را تأمین می‌کرد،

کاهش می‌یابد.

عبارتی دیگر، تغییر انسان در خانواده هدف اساسی صنعتی شدن است که او را به سوژه‌گی یا ذهنیت فردی مستقل ارتقاء می‌دهد. این ایده جدید، فرد مدرن را از فرد سنتی و خانواده نو را از خانواده کهنه مشخص و متمایز می‌کند. این تفاوت‌ها موجب تحول در فهم از ارتباط خانوادگی بین انسان‌ها گردیده و تحول در رابطه مالکیت و نیز تغییرات جمعیتی (جابجایی خانواده از روستا به شهر) و صنعتی شدن را الزامی ساخت. هم‌چنین این یافته‌ی پژوهش حاضر در تضاد با نظریه‌ی آنومی دورکیم است. دورکیم، آنومی را از بین رفتن ارزش‌های اجتماعی می‌داند. در واقع، آنومی اجتماعی، از بین رفتن ارزش‌ها و همبستگی‌های خانواده قدیمی و عدم ایجاد ارزش و اخلاق جدید که بتواند همبستگی نوینی در خانواده خلق کند موجب ایجاد مرحله‌ای می‌شود که دوران آنومیک یا گذار نام گرفته است (فیشر، ۲۰۱۷). اما مسئله‌ای که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، این بود که توسعه‌ی صنعت گاز و نفت سبب تغییراتی در فرهنگی خانوادگی نشده است. این امر همان طور که ذکر گردید می‌تواند به دلیل این مسئله باشد که بافت منطقه ارزش بسیاری زیادی برای فرهنگ خانوادگی به نسبت دیگر اجزاء فرهنگ قائل است. در واقع، ممکن است آنومی اجتماعی در مورد مسائل دیگری مانند الگوی ازدواج صدق کند، اما در مورد فرهنگ خانوادگی، ثبات پایدار آن، مجال این تغییرات را حداقل در سطحی گسترده نداده است.

توسعه‌ی صنعت نفت و گاز موجب تغییر در الگوی ازدواج گردیده است. این مسئله در نگاه اول ممکن است کمی متناقض به نظر برسد. از یک طرف، توسعه‌ی صنعت گاز و نفت در عسلویه و سبب تقویت فرهنگ خانوادگی گردیده است و از طرف دیگر، شاهد تغییر الگوی ازدواج هستیم. این مسئله در ارتباط با نظریه‌ی آنومی اجتماعی دورکیم (فیشر، ۲۰۱۷) است. ارزش‌ها و الگوهای سنتی ازدواج دچار تزلزل شده‌اند، اما جایگزین‌های آنها هم نمی‌تواند به طور کامل عمل کند. الگوی ازدواج در جوامع

فرضیه دوم پژوهش در مورد این بود که به نظر می‌رسد بین توسعه‌ی صنعت نفت و گاز و فرهنگ خانوادگی عسلویه رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین براساس نتایج جدول ۳ می‌توان گفت که توسعه‌ی صنعت نفت و گاز در مناطق عسلویه و موجب تقویت فرهنگ خانوادگی گردیده است. این مسئله را می‌توان این‌گونه تفسیر نمود که اشتغال نیروهای بومی در این صنایع، سبب تقویت ارزش‌های خانوادگی گردیده است. به هر حال، یکی از مسائلی که می‌تواند بر تقویت ارزش‌های خانوادگی تأثیرگذار باشد، بحث نیازهای مادی است که ورود و توسعه‌ی صنعت نفت و گاز توانسته است تا حدودی (حتی اگر این میزان کم هم باشد) این نیاز را برطرف نماید. در واقع، در اینجا ما شاهد نقش آفرینی یک ارزش مادی روی یک ارزش فرا مادی به نام فرهنگ خانوادگی هستیم. هر چند این مسئله در مورد ارزش‌های فرهنگی و ارزش‌های مذهبی منفی بوده است، اما در مورد فرهنگ خانوادگی مثبت بوده است. دلیل این امر ممکن است در این مسئله باشد که ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، مقولات فرامادی کلان هستند و تأثیرگذاری صنعت نفت و گاز روی آنها ممکن است تابع عوامل دیگری باشد که خارج از تأثیرگذاری صنعت نفت و گاز باشد، در حالی که فرهنگ خانوادگی در سطح پایین‌تر و عینی‌تری قرار دارد و به سختی می‌توان آن را تضعیف نمود. دلیل دیگر می‌تواند به سنت‌های بومی منطقه که ارزش بسیار زیادی برای خانواده قائل هستند و به راحتی دیدگاه آنان قابل تغییر نیست. در حالی که چنین تعصبی در مورد ارزش‌های فرهنگی وجود ندارد و در مورد ارزش‌های مذهبی هم در سطحی پایین‌تر از ارزش‌های خانوادگی است. این یافته‌ی پژوهش حاضر در تضاد با دیدگاهی نظری (برتون، ۲۰۱۷) است که بر مبنای آن تأثیرات ورود صنایع نوین بر فرهنگ خانوادگی منفی است. بر مبنای این دیدگاه، این تأثیرات، ارائه تغییر جدی از خود و مفهومی جدید از سوژه‌گی و فردگرایی است. به

می‌توان گفت که توسعه‌ی صنعت نفت و گاز در عسلویه موجب تقویت عناصر مادی فرهنگ گردیده است. این نتیجه را می‌توان طبیعی قلمداد نمود. به هر حال، هر گونه توسعه‌ی صنعتی در مناطقی که قبلاً تجربه‌ی ورود صنعت را نداشته‌اند، نشانه‌های فرهنگ مادی که عموماً عینی هستند را دچار تغییر می‌نماید. این تغییرات عموماً مثبت بوده و در جهت تقویت این فرهنگ عمل می‌کنند. به هر حال، ورود امکانات، فرصت‌ها و قابلیت‌های نوین عینی فرهنگی به منطقه، مجال بیشتری به ساکنان داده است تا فرهنگ مادی خودشان را تقویت نمایند. علاوه بر این، فرصت‌های اقتصادی نوین برای ساکنان بومی منطقه هم در این مسئله دخالت داشته است. یافته‌های این بخش پژوهش تناسب چندانی با رویکرد نظری تحولات ارزشی اینگلهارت ندارد. اینگلهارت (۱۳۹۵) می‌گوید که با صنعتی شدن و توسعه‌ی صنعتی شاهد تغییر از اهمیت ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرا مادی هستیم. این در حالی است که یافته‌های پژوهش حاضر، بر اهمیت بسیار بیشتر ارزش‌های مادی تأکید دارد. اینگلهارت معتقد است که در اثر توسعه‌ی اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی انسان‌های این جوامع رخ داده، به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرا مادی را نشان می‌دهد. در واقع نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت، جابجایی از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرا مادی را به‌طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط نامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند، الزاماً این فرایند در آن روی می‌دهد. این امر به روشنی نشانگر رابطه میان توسعه‌ی اقتصادی و دگرگونی ارزشی است. اینگلهارت با اعتقاد به این استدلال که تفاوت میان اجتماعی شدن تکوینی جوانان اروپایی با بزرگسالان موجب شده تا جوان‌ترها اولویت نسبتاً بالایی برای آزادی و ابراز عقیده قائل شوند، بیان داشت که با جایگزینی نسل جدید در آینده، نوعی جابجایی به سوی اولویت‌های ارزشی فرامادی

ستی تابعی از فرهنگ خانوادگی است، اما در این پژوهش شاهد نقض این فرضیه هستیم. یکی از دلایل این مسئله می‌تواند آمیختگی‌های فرهنگی نیروهای بومی و غیربومی در منطقه باشد که سبب ورود الگوهای ازدواج غیرستی به منطقه گردیده است. علاوه بر این، تحت تأثیر جهانی شدن فرهنگی و ورود رسانه‌های ارتباطی نوین به منطقه، الگوهای ازدواج دیگر چندان تابعی از فرهنگ خانوادگی نیست و تحت تأثیر عوامل دیگر از جمله جهانی شدن فرهنگی تغییراتی را در خود تجربه نموده است. فروند (۱۳۹۵) در تبیین این مسئله، صنعتی شدن را موجب تحرک بیشتر افراد خانواده و گسترش مشارکت اجتماعی آنان می‌داند که ممکن است الگوهای موجود در خانواده از جمله الگوی ازدواج را دچار تغییر نماید. گسترش صنایع لاجرم فرهنگی با خود به وجود آورده که کلیه روابط خانوادگی را تحت تأثیر خودش قرار داده است. مدرنیته که تعریف نوینی از کار و فعالیت اقتصادی را ارائه کرد، نهاد خانواده را نیز به تعریفی سازگار با همین الگو رساند. در این جوامع صنعتی خانواده به سوی کم‌رنگ شدن نقش ارزش‌های خانواده پدر سالار و ریزش ساختارهای کهن پیش رفت. این تجربه در جوامع در حال رشد یا توسعه با گسست گروه‌های خویشاوندی نیز به وقوع پیوست و همه آنچه که بعدها شکل گرفت، ارزش‌هایی بود که نیاز و ساختار اجتماعی دوران خود را می‌طلبد. در نهاد خانواده برخی ازدواج‌ها به زنان نه به معنای تشکیل خانواده که به معنای حضور خانه همسر تلقی می‌شد. بنابراین، ما شاهد این مسئله هستیم که الگوهای ازدواج به عنوان بخشی از ساختار خانواده دچار تغییر می‌شوند. این در حالی است که خود فرهنگ خانوادگی هم‌چنان از ثبات برخوردار است. یافته‌های این بخش تأیید کننده‌ی یافته‌های پژوهشی جانسون (۲۰۱۵) نیز می‌باشد.

فرضیه سوم پژوهش این بود که به نظر می‌رسد بین توسعه صنعت نفت و گاز و عناصر مادی فرهنگ رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، براساس نتایج جدول ۳

روی خواهد داد.

نتیجه‌گیری کلی

الگوی نهایی پژوهش (الگوی توسعه فرهنگ عمومی بر مبنای توسعه صنعت نفت و گاز در مناطق نفت‌خیز عسلویه)، الگویی است که به مسئولان ذی‌ربط در حوزه صنعت نفت و گاز کشور کمک می‌کند قبل از اقدامات و تصمیمات خود شرایط فرهنگی منطقه را در نظر بگیرند و تبعات مثبت و منفی توسعه صنعت نفت و گاز را بسنجند و سپس وارد عمل و تصمیم‌گیری شوند. این الگو نشان می‌دهد که توسعه صنعت نفت و گاز، بر ابعاد سه‌گانه فرهنگ عمومی در ایران اثرگذار است. علی‌رغم اینکه در توسعه صنایع نفت و گاز، عمدتاً به مسائل مالی و اقتصادی توجه می‌شود و منافع مادی حاصل از آن در اولویت توجه قرار می‌گیرد اما نتایج این پژوهش نشان داد که مسائل فرهنگی در این زمینه نیز به شکل جدی باید مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد. اما توسعه صنعت نفت و گاز به طور کامل بر تمام خرده‌مقیاس‌های متغیر فرهنگ عمومی تاثیر مثبت ندارد. در مقیاس "خانواده"، شاهد تقویت تشکیل خانواده (بواسطه برطرف شدن نیازهای مادی)، کاهش فرزند، کاهش ارتباط خانوادگی، تغییر در الگوی ازدواج، تغییر نقش مرد و زن، افزایش طلاق و افزایش سن ازدواج هستیم. لذا به موازات توسعه صنایع نفت و گاز باید به آسیب‌هایی که در خانواده‌ها ایجاد می‌شود توجه نمود. در مقیاس "ارزش‌های جامعه"، شاهد عقلانیت و افسون‌زدایی، تضعیف ارزش‌های فرهنگی منطقه، قطبی شدن صنعت و سنت و آداب و رسوم، تضعیف اعتقادات مذهبی هستیم و در مقیاس "عناصر مادی فرهنگ"، معماری جدید و شوک‌آور، مفتون‌شدگی، پذیرش، حیرت و شگفتی، پیشرفت و ترقی و ورود غذا و پوشاک جدید، اتفاق می‌افتد. لذا توجه به تهدیدهایی که ضمن توسعه نفت و گاز در جامعه ایجاد می‌شود و تلاش در جهت کاهش این تهدیدها و از بین بردن اثرات منفی آن در جامعه، از اهم وظایف مسئولین مربوطه است. استفاده و بهره‌گیری از

الگوی ارائه شده در این پژوهش به متولیان این امر کمک می‌کند تا با دقت بیشتر و همه‌جانبه، به حواشی توسعه صنعت و گاز در حوزه فرهنگی بپردازند.

منابع

- اباذری، یوسف؛ چاوشیان، حسن (۱۳۹۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکرد نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماع. نامه علوم اجتماعی.
- اجلالی، پرویز (۱۳۷۹). سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران تهران: نشر آن
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۹۷). از سیاستگذاری تا سنجش فرهنگی: چارچوب پیشنهادی برای جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۵). ما و مدرنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- افروغ، عماد؛ مهربانی‌فر، حسین (۱۳۹۷). زن در فرهنگ و هنر بهار، دوره دهم.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۵). تحولات فرهنگی، مترجم رضا حسینی، انتشارات کویر.
- بهنام، جمشید (۱۳۹۵). ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: فروزان.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۹۴). جامعیت مفهوم توسعه و روابط آن با فرهنگ، فرهنگ توسعه، شماره ۵.
- ثابتی، علی (۱۳۹۵). نقش نفت در اقتصاد، چاپ اول، انتظارات ققنوس.
- جهانبنگلو، رامین (۱۳۸۶). جهان و تمدن (گفتگو)، چاپ سوم، نشر مرکز.
- حقوقی، مرتضی (۱۳۷۷). امنیت غذایی. آب و توسعه. شماره دوم و سوم.
- دهقانی (۱۳۹۷). نقش موسیقی در جامعه، تهران: نشر نی.
- رحیمی، خسرو، شهبازی، احسان و شریف‌آرا، احسان

- (۱۳۹۳). نگاهی به صنعت نفت و گاز، چاپ سوم، انتشارات احسان شهبازی.
- ریتز، جورج (۱۳۹۷). جامعه شناسی توسعه، مترجم ت برهنی، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- زمردی، عظیم (۱۳۷۰). بهداشت گیاهان و فرآورده‌های کشاورزی، چاپ اول، نشر دیبا.
- شاهنده، بهزاد (۱۳۹۵). قدرت‌های اقتصادی آینده در شرق آسیا، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵ و ۶، سال نهم.
- شجاعی، سید علیرضا، جلالی نایینی، سید غلامرضا، و نوری، سیامک (۱۳۸۶). فرهنگ بهره‌وری مهم‌ترین عامل در فرهنگ صنعتی ایران پژوهشی در باب دیدگاه جامعه ایران نسبت به توسعه فرهنگ صنعتی. همایش ملی بهره‌وری، دوره ۲.
- شریفیان، محسن (۱۳۹۳). اهل ساز، سازشناسی موسیقی بوشهر، نشر داستان سرافاستر و اندرسون (۱۳۹۰).
- غذا در یک متن فرهنگی. ترجمه‌ی رویا آسیایی، در تارنمای انسان‌شناسی و فرهنگ.
- طالبیان، سید امیر و همکاران (۱۳۸۷). تحلیل تاثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳.
- فدائی خوارسگانی، مهدی، نیری، سمیه. ۱۳۸۹. بررسی تاثیر تحولات شاخص‌های منتخب فرهنگی بر رشد اقتصادی در ایران (الگوی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیع شده AR). فصلنامه علمی- پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. ۱، ص ۱۵۳-۱۳۳.
- فرضی، شهرام، ازکیا، مصطفی. ۱۳۹۵. تحلیل جامعه شناختی پیامدهای حضور صنعت نفت بر توسعه ی اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی مناطق نفت خیز از منظر ذینفعان محلی (مورد مطالعه: ساکنان حوزه ی میدان نفتی
- دارخوین). نشریه توسعه محلی روستایی- شهری (توسعه روستایی). ۸ (۲).
- کلانتری، عیسی (۱۳۷۳). امنیت غذایی، ابعاد جهانی و ملی. اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال دوم. پاییز.
- گنجی، اکبر (۱۳۹۶). پروژه ناتمام مدرنیته، چاپ اول، انتشارات تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- میر ترابی، سعید (۱۳۹۷). نفت و دموکراسی در خاورمیانه، مطالعات خاورمیانه، شماره ۵۲ و ۵۳.
- میرزایی، فرزاد (۱۳۹۵). معرفت و امر قدسی، چاپ اول انتشارات رسا.

Alston, M (2017). Globalisation, rural restructuring and health service delivery in Australia: policy failure and the role of social work? Health and social care in the community, 15(3).

Bernanke, B. S (2016). Alternative explanations of the money-income correlation". Caregie-Rochester Conference Series on Public Policy, Vol. 25.

Eifert, B, Gelb, A, Tallroth, N.B (2014). The political economy of fiscal policy and economic management in oil exporting countries, Policy Research Working Paper, 2899, World Bank.

Hamilton, J. D (2015). This is what Happened to Oil Price Macroeconomy Relationship, Journal of Monetary Economics, Vol. 38.

Hair, J.F, Black, W.C, Babin, B.J, Anderson, R.E, Tatham, R.L (1998). Multivariate Data Analysis. Prentice hall, Upper Saddle River, NJ

Lucas, R. E (2016). On the Mechanics of Economic Development. Journal of Monetary Economics, 59(4).

یادداشت

^۱Alston

²Monopoly

³*Bernanke*

⁴*Hamilton*

⁵*Eifert*

⁶*Lucas*

⁷*Tradition*

⁸*Self*

⁹*Subjectivity*

¹⁰*Alienation*

¹¹*Bin*